

رنالیسم

معنی لغوی:

به معنی امر واقعی، امر عینی، امر قابل مشاهده، اعتقاد به وجود در کلیات، واقع گرایی و واقع بینی است

معرفت شناسی رنالیستی:

- ۱- اشیاء خارج از ادراک ما وجود دارند و ما از طریق احساس آن ها را درک می کنیم و این احساس از طریق حواس پنج گانه ما اشیاء را برای ما قابل درک می سازند که این درک، ادراکی حسی است که به آن فهمیدن می گویند و به دنبال آن اراک عقلانی برای ما بوجود می آید پس بواسطه عقل امور را درک می کنیم و عقل چیزی غیر از جسم ماست
- ۲- جهان آن چنان که هست قابلیت شناخته شدن را دارد و با بهره گیری از عقل می توان شناختی در باره آن بدست آورد.
- ۳- رابطه ما با دنیای اطراف یک رابطه معنایی و ادراکی است و حواس پنج گانه ما هستند که ارتباط ما را با جهان برقرار می نمایند. بنابر این اگر حس نداشته باشیم نمی توانیم با پدیده ها ارتباط برقرار نماییم. لذا انسان نیاز به حواس دارد و از طریق آن قادر خواهد بود پدیده ها را درک نماید. پس وجود انسان یک وجود ادراکی و موجودی مجرد است.
- ۴- عقل ما ناظر بر پدیده هاست و از طریق حواس قابل درک است و آنچه را که تصور ذهنی از آن داریم مطابق با واقعیت بیرونی آن است

اصول اساسی ارسطو:

- ۱- جهانی که ما در آن زندگی می کنیم متشکل از پدیده های متفاوتی است و باید از روش های تجربی و عینی استفاده کرد
- ۲- انسان در چهار محیط طبیعی، اجتماعی، انسانی، فرهنگی و روانی زندگی می کند
- ۳- هر شیئی متشکل از دو بعد است. قوه و فعل. بعنوان مثال زمین قوه است و گیاهی که در آن رشد می کند فعل است.
- ۴- تمامی موجودات به استثنای خداوند از ماده و صورت تشکیل شده اند و خداوند صورت نیست بلکه وجود محض است

- ۵- بشریت هنرمند است و به مانند جهان به سوی اهداف از پیش تعیین شده پیش می رود
- ۶- جهان یک ماشین است و انسان باید کارکرد های آن را بشناسد
- ۷- اشیا و موجودات دارای طبقه بندی هستند و به بی جان، نفس نباتی و نفس حیوانی طبقه بندی می شوند
- ۸- ارسطو بر روی امور جزئی تکیه داشت و به بیولوژی نیز علاقمند بود

آرای تربیتی ارسطو:

- ۱- تربیت نیروی پایداری جامعه ای است که بخواهد پایدار بماند و رمز و راز ماندگاری جامعه پایدار است
- ۲- ارزش ها و فرهنگ ها از نسلی به نسل دیگر منتقل می شود و شهروندان هر جامعه ای بر اساس اصول و ارزش های آن جامعه تربیت می شوند لذا تربیت موجب تداوم حیات فکری و معنوی می گردد
- ۳- نیکبختی و سعادت انسان در گرو سه عامل سرشت یا سرمایه ذاتی انسان یا طبیعت انسانی، عادت، عقل یا خرد است که لازمه تحقق نیکبختی، هماهنگی هر سه عامل با یکدیگر است
- ۴- سرشت انسان که در بدو تولد وجود دارد بر انسان فرمان می راند و به رهبری خرد و عقل، انسان به کامیابی و سعادت می رسد. بنابر این توسعه بعد عقلانی هدف تربیت است
- ۵- چون عقل صفت ممیزه انسان است لذا کمال انسان هم در آشکارسازی و بکارگیری این نیرو است و کمال نهایی نیز کمال عقلانی و کمال تربیت شکوفایی خرد است.
- ۶- خرد هدیه الهی است و در دوره های بعدی زندگی شکوفا می گردد. پس می توانیم با ایجاد پدیده های پسندیده و خوب زمینه رشد آن را فراهم سازیم
- ۷- کودکان را باید از شنیدن داستان های بد دور کنیم
- ۸- بازی و فعالیت جسمانی برای اطفال ضروری است
- ۹- آموزش و پرورش ارزش ها و تعلیم گروه های اخلاقی از قبل از نوجوانی برای انسان لازم است
- ۱۰- اوقات فراغت و تاثیر آن بر رشد آدمی ارزشمند است و قوه تفکر انسان در اوقات فراغت رشد می کند و کار در درجه بعدی قرار دارد.
- ۱۱- همانگونه که انسان را برای کار تربیت می کنیم باید او را تربیت کرد تا از اوقات فراغت به خوبی استفاده کند زیرا در غیر این صورت ممکنست بخش بسیار مهم زندگی در بی راهه و

- سرگرمی‌های زائد تلف شود و تدریجا به این نتیجه برسد که هدف زندگی چیزی جز خوش گذرانی نیست. کار وسیله است و بخشی که در آسایش می‌گذرد هدف است
- ۱۲- فرد تعلیم یافته کسی است که با تکیه بر نیروی خرد با تعادل و میانه روی زندگی نماید و عیب اخلاقی در عدم تعادل است که یا افراط است و یا تفریط
- ۱۳- فضیلت‌های اخلاقی با تمرین و تکرار بدست می‌آید و زمینه‌های آن با عادت فراهم می‌شود
- ۱۴- انسان آرمانی انسانی است که نیروی عقل مطلوب در او رشد پیدا کرده باشد و به کمک این نیرو زندگی را اداره کند و اهل افراط و تفریط نباشد